

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیستم
شماره ۲۳۹ بهمن ماه ۱۳۹۸ ژانویه ۲۰۲۰

بیانیه حزب کار ایران (توفان) در مورد تحولات اخیر در منطقه هموطنان عزیز!

ترور قاسم سلیمانی توسط بانیان طالبان و داعش و واکنشهای جهانی و ایرانی نسبت به آن، حزب کار ایران (توفان) را بر آن داشت تا بار دیگر مواضع اصولی خود را در این زمینه بیان کرده و صحت آنرا نشان داده و تأثیرات این اقدام ضد بشری و تروریستی دولتی را از جانب آمریکا در جهان و ایران بررسی کند و در خاتمه نقش اپوزیسیون خودفروخته و بهظاهر "دموکرات" و "انقلابی" را که مترصد ایفای نقش داعش‌های ایرانی بودند را برملا نماید.



قاسم سلیمانی و تشییع جنازه میلیونی

ما ابتداء باید تأثیرات اجتماعی فعالیت وی را بیان کنیم تا آگاهانه و افشاءگرانه، برضد تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم که از حقوق ایرانیان آلت دست این بنگاههای امپریالیستی بیرون می‌آید، اقدام کرده باشیم.

سردار سلیمانی یک مقام رسمی و یکی از فرماندهان مهم و برجسته ایران بود که در زمان تجاوز نظامی عراق به میهن ما علیه ارتش متجاوز رژیم بعث عراق برای حفظ تمامیت ارضی ایران داوطلبانه به جبهه رفت، جنگید و به تدریج به یک شخصیت صاحب نام نظامی و استراتژیست ایران بدل گشت.

قاسم سلیمانی رهبری مبارزه برضد داعش را نیز به عهده گرفت و آنهم در زمانیکه این تروریستهای آمریکا ساخته، راهی بغداد شده بودند، تا خود را به تهران برسانند. قاسم سلیمانی با تشکیل جبهه واحد و تاسیس سازمان شبه نظامی حشدالشعبی که خواری به چشم دوستان داعش است، بنیان این سیل بی بنیاد را در عراق برکند و نه تنها ملت ایران، بلکه ملت عراق را نیز از دست وجود این جانواران رها ساخت و کینه همه یاران داعش را به جان خرید. قاسم سلیمانی نه تنها در نزد بخش مهمی از مردم ایران، بلکه در تمام منطقه و در نزد بسیاری رهبران جهان به عنوان یک مرد جنگی و همزمان یک فرد دیپلمات چیره دست و موثر در مذاکرات دو و یا چند جانبه قابل احترام و محبوب بود. بخشی از مردم ایران برای قاسم سلیمانی احترام دیگری قابل بودند و حسابش را از قالیباف‌ها، رضائی‌ها، رئیسی‌ها و لاریجانی‌ها جدا می‌کردند. این عامل اساسی محبوبیت سلیمانی را ایرانیانی که نسبت به احساسات مردم ایران بیگانه‌اند و گوئی نابینا بوده و از کره مریخ آمده‌اند، به علت ذهننگری مزمن نادیده می‌گیرند... ادامه در صفحه ۳

غولی در بطری درسهایی از شورش آبانماه ۱۳۹۸

تعیین شعارهای تاکتیکی حزب ما منوطست به صحت ارزیابی ما از موقعیت سیاسی ایران. تحولات اخیر ایران که با حضور چند صد هزار نفره مردم معترض، گرسنگان و پابرهنگان پیا شد، درسهای آموزنده‌ای برای ما دارد که باید به آن توجه کرده و شعارهای تاکتیکی خویش را بر اساس وضعیت سیاسی کنونی تعیین نماییم. در شورش اخیر آبان نیز عمل از تئوری پیشی گرفت و منجر به این شد که عامل ذهنی و نیروهای آگاه انقلابی وضعیت و تحلیلهای خویش را به روز کنند.

درسهای شورش مردم در آبانماه ۱۳۹۸ نشان داد که رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی حاکم تا به چه حد آمادگی تمرکز نیرو و سرکوب خشونت‌آمیز مبارزات و اعتراضات مردم را دارد و برای روز مبدا حساب باز کرده است. هرچه این مبارزات قهرآمیزتر گردد، خشونت ضد انقلاب متمرکز و فشرده‌تر خواهد شد. این نیروهای سرکوب شامل سپاه پاسداران، بسیجی‌ها، عوامل لباس شخصی، لومپن پرولتاریا، باندهای مخفی تروریستی فدائیان اسلام که چندین هزار نفرند و نیروهای سرکوبگر ضد شورش که تا دندان به تجهیزات مدرن مجهزند و ماموران انتظامی و سرانجام حتی ارتشی خواهد بود. در پیشگیری از مبارزه مردم تمام نقاط راهبردی و مهم شهرها و جاده‌ها را با دوربین‌های چهره شناس... ادامه در صفحه ۲

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

غولی در بطری...

تجهیز کرده‌اند، به‌طوریکه بعد از سرکوب و آرامش در خیابانها، تازه پیگرد مبارزان و معترضان بر اساس بررسی تصاویر و اطلاعاتی که در این مدت با حوصله جمع‌آوری نموده بودند، آغاز شد. سیاست سرکوب رژیم در تمام عرصه‌ها سازمانیافته و حسابگرانه بود. غافلگیری رژیم تنها از دامنه اعتراضات، سرعت گسترش و عمق آن بود.

این تظاهرات نشان داد که درجه ناراضی مردم بسیار گسترده و در سراسر ایران دامن گستر است. حتی به شهرها و قریه‌های کوچک نیز دامنه این اعتراض کشیده شده است و مسلماً وسایل ارتباطات جمعی مدرن و شبکه مجازی در این تحول نقش اساسی بازی کرده‌اند. در این اعتراضات که به‌طور عمده اقشار فرودست جامعه را در بر گرفته است، مرزهای قومی، نقش تعیین کننده‌ای ایفاء نکردند، بلکه همه کسانی را که در دریای فقر غوطه می‌خورند و به‌اعتراف آقای روحانی ۶۰ میلیون نفرند، در بر گرفته است. این نیروی بالقوه شورشی غولی است در بطری که پشت رژیم جمهوری سرمایه-داری اسلامی را می‌لرزاند.

درس شورش آبان نشان داد که مردم آماده جانبازی‌اند و حاضرند برای تحقق خواسته‌هایشان قربانی دهند. جان مردم به‌لبشانش رسیده است. گرانی کمر شکن، فقر، تبعیض، ریاکاری و دروغگوئی، عدم پذیرش مسئولیت و پاسخگوئی به‌مردم، قانون‌سنجی، پارتی‌بازی، احتکار، قاچاق، راهزنی افسانه‌ای و فرار از مجازات و ... مواد آتش‌زائی هستند که آتش خشم مردم را شعله‌ور می‌سازند. و این امر موقتی نیست و رژیمی که بر این اساس خانواده مافیائی سرمایه-دارانه خود را بنا کرده است، نمی‌تواند دزدها و مفسدان را دستگیر کند. این خود بن‌بست رژیم است. سرکوب، باز هم سرکوب و سرانجام نیز سرکوب، آینده بی‌فرجام رژیم است، زیرا طغیان عمومی را که به‌فرورپاشی نظام منجر می‌گردد در بطن خود می‌پروراند.

شورش آبانماه که شاید بشود آنرا با قیام ۱۵ خرداد از یک منظر مقایسه کرد، نقطه عطفی در برخورد به‌رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در شرایط امروز است که از نفرت انباشته شده در میان مردم نشأت می‌گیرد که آثارش بر سر هر کوچه و بازاری آویخته است. فضای نفرت از این رژیم همه جا را فرا گرفته است و مردم فهمیده‌اند که با خشونت ضد انقلابی رژیم باید با آمادگی و تدارک مقابله نمایند.

این فشار مردمی طبیعتاً از دید حکام ایران پنهان نمانده است. این بار سخن بر سر طبقه متوسط نیست، پای طبقه کارگر و زحمتکشان به‌مبارزه کشیده می‌شود و شعارهای ضد سیاست سرمایه-دارانه نولیبرالی در فضا پیچیده است و این گواه

استمرار مبارزه می‌باشد که ترس حاکمیت را افزایش می‌دهد. "روشن بینان" آنان مانند دوران پهلوی بار و بندیل خویش را برای فرار آماده می‌کنند. شرکت وسیع مردم در مبارزه شکاف درون حاکمیت را افزایش داده و تعمیق می‌بخشد و آنها را متوجه می‌کند که "یک بار جستی ملخک، دو بار جستی ملخک، آخر تو دستی ملخک". عوامل دوراندیش حاکمیت می‌فهمند که تواتر این مبارزات افزایش یافته و فواصل آن کمتر می‌شوند.

شورش آبان به‌ما آموخت که توده‌های مردم در این مبارزه دورنما نداشتند و خواست مشخصی را که همه مردم را به دور آن گردآورند و تمرکز نیرو بخشدن هویدا نبود. زمانی که توده‌ها اداره‌ای را تسخیر می‌کردند و یا سنگری را فتح می‌نمودند، همواره این پرسش برای آنها مطرح بود که "بعدش چی؟" و آنها نمی‌توانستند به این پرسش "بعدش چی؟" پاسخ مناسب بدهند. فتح هر سنگر و فتح خیابانها و میادین و کلانتری‌ها برای آنها آغاز بن‌بست بود. اعتراضات در نخستین روزهای آن طبیعتاً گسترده‌تر است، ولی با گسترش و شدت سرکوب از طرفی و بی-برنامگی توده‌های معترض از سوی دیگر، این حرکت، بی‌دورنمایی خویش را نشان می‌دهد. معترضی که پس از جنگ و گریز روزانه به-خانه خویش رفته است در روز دوم هنوز نیز آمادگی پا گذاردن به‌خیابانها و اعتراضات را دارد، ولی به‌تدریج از روزهای بعد به "بی-فایدگی" این نوع مبارزه پی می‌برد و خانه نشین می‌شود.

درس این شورش یکی این است که توده قیام کننده باید دورنمای سیاسی داشته باشد. باید هدفهای مشخص دارا باشد که برای نیل به‌آنها فعالیت و بسیج کند و شعارها و جنگ و گریزهای خویش را بر اساس این سیاستها تعیین نماید. اگر مسئله کسب قدرت سیاسی مطرح است باید با خواسته‌های مشخص کسب قدرت سیاسی به‌میدان آید و هر روز و هر ساعت به‌سوئی رود که بخشی از این قدرت را کسب کند و امکان تنفس به‌رژیمی که شبانه روز سرکوب می‌کند ندهد. باید اداره رادیو تلویزیون و یا مواضع راهبردی را اشغال کند. با اعتصاب عمومی از رسیدن سوخت به‌واحدهای دشمن جلوگیری نماید، تولید را در دست بگیرد و خود را برای مسلح شدن که تدارک آنرا باید از قبل دیده باشد، آماده کند. در این زمان، کسب هر سنگر آغاز یک بن‌بست نیست، گام نخست برای فتح سنگرهای بعدی است. این دورنما در کار توده-های مردم غایب بود و حتی خواسته‌های مشخصی از جمله اینکه بهای بنزین باید کاهش یابد و یا وزیر کشور و یا رئیس جمهور باید استعفاء دهد نیز در مبارزه آنها به‌چشم نمی‌خورد. حتی بیان این خواستها و طرح آن می‌توانست به‌مردم

دورنما دهد، آنها را متمرکز و متحد گرداند و مانع پراکندگی و خودجوشی بی‌حد جنبش گردد. بزرگترین درس شورش آبانماه نشان داد که همه جنبشهای فاقد رهبری سرکوب می‌شوند. برای پیروزی در انقلاب به‌نیروی رهبری کننده و عامل آگاه سیاسی و یا شرایط ذهنی نیاز است. جنبش مردم برای اینکه پیروز شود باید ستادفرماندهی در این جنگ داشته باشد. در جنگی که میان طبقات فرودست و حاکمان درمی‌گیرد، فرودستان نیز می‌بایستی در این نبرد سرداران خود را داشته باشند. توده بی‌رهبر و یا رهبران بی‌سپاه هرگز قادر به‌پیروزی نیستند.

درس این شورش این است که به‌ویژه طبقه کارگر به‌سازمان نیاز دارد. سازمان نخستین اسلحه طبقه کارگر است که نیروی وی را متمرکز کرده و آماده مبارزه می‌کند. مردم در این مبارزه آموختند که هم رهبر کم دارند و هم سازمان ندارند و این دو دست‌آورد بزرگ این مبارزه مردم است که باید بر آن تکیه کرد، آنرا تبلیغ کرد تا جان شهدا بی‌جهت برباد نرفته باشد. درس دیگر این شورش آن است که ما باید بکوشیم بخشی از نیروهای مسلح رژیم و به‌ویژه بخشهای سالم و غیرفاسد را چه در میان لایه‌های پائینی پاسداران، بسیجیان و ارتشیان که از احاد ملت‌اند جلب کرده و در جناح دشمن شکاف ایجاد کنیم. درس انقلاب بهمن نیز همین بود و ارتش ۴۰۰ هزار نفره شاهنشاهی در مقابل قدرت عظیم توده‌های مردم ذوب شد. ما باید بکوشیم که به‌قدرت جسمانی برای درگیری و نابودی سران دشمن متوسل شویم و آنها را در شرایط لازم برای ایجاد تزلزل در میانشان، سربینه‌یست کرده و حتی با اعمال قهر انفرادی به این وظیفه مهم نایل شویم. تاکتیک ترور توده‌ای سازمانیافته که اجرایش در خدمت مصالح جنبش عمومی انقلابی باشد و با نظارت صورت پذیرفته که به-تعبیرات "اوباشانه" منجر نشود بحنی است که نه تنها لنین از آن در قیام یاد می‌کند بلکه از تجربه زنده انقلاب بهمن برمی‌آید. در انقلاب بهمن نیز چنین بود و ترور بخشی از ارتشیان در پایگاه لویزان به‌تزلزل درون ارتش منجر شد. این وظیفه را فقط شرکت مردم در مبارزه، درجه فداکاری آنها و مهجرت از همه سازمان متشکل انقلابی و رهبری این سازمان انجام خواهد داد.

لنین با استناد به مارکس می‌گفت: "دسامبر صحت یکی دیگر از اصول عمیق مارکس را که اپورتونیستها آنرا فراموش کرده‌اند، به‌طور نمایانی تأیید کرد. این اصل حاکی است: قیام فن است و قاعده عمده این فن هم عبارتست از تعرضی که باید با از جان گذشتگی جسارت‌آمیز و عزم راسخ انجام گیرد. ما این حقیقت را به-اندازه کافی فرا نگرفته بودیم. ما این فن و این قاعده تعرض به‌هر قیمتی که باشد را نه خودمان به‌قدر کافی آموخته و... ادامه در صفحه ۳

غولی در بطری...

نه به‌توده‌ها یاد داده بودیم. ما اکنون باید با تمام انرژی جبران مافات بنمائیم" (منتخابات ۴ جلدی آثار لنین به فارسی جلد اول، قسمت دوم صص ۱۹۶-۱۹۷).

این سخنان لنین همان فقدان بی‌دورنمائی و فقدان تاکتیک متناسب با آن در شورش کنونی آبانماه است. تعرض زمانی مفهوم دارد که هدف روشن باشد و دورنمائی در پیش پای جنبش قرار بگیرد. صرف فرونشاندن خشم فردی و یا گروهی و التیام هیجانهای درونی هر چقدر هم موجه باشند، دورنما نیست و تنها فرجامی زودرس دارد. زیرا تنها با دارا بودن دورنما و هدف می‌شود اراده به‌تعرض هدفمند داشت و تعرض کرد و تعرض را به‌نتیجه رسانید.

بزرگترین دست‌آورد شورش آبان این است که جنبش مردم ایران برای غلبه بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به‌حزب طبقه کارگر به‌حزبی مارکسیستی‌لنینیستی نیاز دارد. طبقه کارگر بدون حزب گوشت دم توپ بورژوازی است. ایندئولوژیهای بورژوازی با لباسهای به‌ظاهر کارگری طبقه کارگر را از پیوستن به‌حزب باز می‌دارند و برای آنها موعظه می‌کنند که آنها خودشان باید خود را بدون تشکل و حزب طبقاتی خودشان آزاد کنند. آنها به طبقه کارگر پیشنهاد خودکشی می‌دهند. تجربه شورش آبان این ترهات و تبلیغات شوم و مشکوک بورژوائی را رسوا ساخت. طبقه کارگر می‌بیند که بدون سازماندهی و رهبری حزب ماهیتا کمونیستی قادر به‌آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست. حزب کار ایران (توفان) همواره از این تئوری‌های مارکسیستی - لنینیستی حمایت کرده و طبقه کارگر را از این دشمنان دوست‌نما برحذر داشته است. برای کسب دست‌آورد‌های بیشتر و موثرتر در شورش که در راه است به‌حزب کار ایران به‌پیوندید و دست رد به‌سینه عمل بورژوازی در جنبش کارگری بزنید که تنها برضد حزبیت و کمونیسم تبلیغ می‌کنند. این عده به‌زباله‌دان تاریخ تعلق دارند. آنها به‌طول عمر رژیم سرمایه‌داری حاکم می‌افزایند.

بیانیه حزب کار ایران (توفان)...

و یا خود را به‌تجاهل می‌زنند .

هدف از سفر سلیمانی به‌عراق چه**بود**

براساس اسنادی که مطبوعات جهان منتشر کردند و سخنان آقای عادل المهدی نخست وزیر عراق، آقای سلیمانی به‌عنوان مسئول مذاکره با عربستان سعودی به‌دعوت دولت عراق به‌این کشور سفر کرده بود. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی دروغهای آمریکا را که مبنی براینکه "آنها اطلاعات دقیقی

داشته‌اند که سلیمانی برای ترور آمریکائی‌ها به‌عراق آمده است" را برملا کرد، کذب محض خواند و اعلام کرد: "برای ثبت در تاریخ می‌گویم که ساعت هشت صبح شهادت، با این شهید (سردار سلیمانی) جلسه داشتیم.

وی درباره محتوای این جلسه گفت: می‌خواستیم پاسخ نامه‌ای را از سوی عربستان به‌شهید بدهیم که درباره تحولات عراق و برقراری صلح در منطقه بود."

واقعیت این است که دولت ایران مدتهاست تلاش می‌کند به‌آشوبی که آمریکا در منطقه ایجاد کرده است و مسئولیت مستقیم تشنج در منطقه را به‌عهده دارد، پایان بدهد. امپریالیسم آمریکا از ۸ هزار کیلومتر دورتر به‌منطقه آمده و ده‌ها پایگاه نظامی و تروریستی به‌دور ایران ایجاد کرده، ممالک منطقه را اشغال نموده و بر ضد حکومت‌های رسمی، قانونی و مشروع این کشورها دسیسه می‌چیند و خرابکاری می‌کند و امنیت منطقه را ملعبه دست خود کرده است. سیاست تشنج‌زدائی در منطقه، ممانعت از جنگ و در خواست خروج قوای خارجی از منطقه، ایجاد پیمان همکاری مشترک با ممالک ساحلی خلیج فارس برای برقراری امنیت خلیج فارس و نظایر آنها از سیاست‌های کنونی دولت ایران است. این سیاستها اگر عملی شوند در درجه نخست به‌نفع منافع ملی، مردم و طبقه کارگر ایران خواهد بود. بر خرابه‌های ایران که در آن مبارزه طبقاتی ممکن نیست، تنها جغدهای صهیونیست و اپوزیسیون خودفروخته ایران خواهند خنذید.

اسرائیل تنها کشوری است که از آشوب منطقه سود می‌برد و خواهان آنست هر جا بوی مصالحه و همکاری و صلح به‌مشام می‌رسد در تخریب آن کوشا بوده و در منطقه جنگ‌آفرینی کند. اقدامات تحریک-آمیز مستمر اسرائیل در عراق، بمباران سوریه، هدف گرفتن کشتی ایران در بحرالحمیر با موشک‌های خود تا آن را به‌گردن عربستان سعودی بیاندازد و آتش جنگ را تیزتر کند و سایر خرابکاریهای اسرائیل در خلیج فارس با سیاست جنگ-افروزان و... همه در خدمت آنست که از نزدیکی اعراب به‌ایران جلوگیری کند. این نزدیکی اهمیت راهبردی در منطقه دارد و جنبش آزادیبخش فلسطین را تقویت می‌کند و به‌خودسری اسرائیل دهانه خواهد زد و دیگر موفق نخواهد شد از تفرقه در منطقه به‌نفع اهداف توسعه‌طلبانه و تشنج‌آفرین خودش سوءاستفاده

نماید. این است که مطلعان سیاسی از این صحبت می‌کنند که ترامپ به‌ملعبه دست مشاوران صهیونیست خود بدل شده و بی‌تعمق به‌خواست اسرائیل بدون دوراندیشی و تفکر در باره نتایج این اعمالش تن در داده است. در ترور قاسم سلیمانی دستان ناپاک صهیونیسم مستقر در اسرائیل به‌چشم می‌خورد. همین موجب شده که حتی موجی از مخالفت در درون حاکمیت آمریکا برضد تصمیم ترامپ بلند شود که آمریکا را به‌جنگی ناخواسته و غیرمشروع و بدون اجازه کنگره می‌کشاند.

برخورد جهان به‌این اقدام تروریستی و جنایتکارانه

حزب ما ترور قاسم سلیمانی که با مقام شناخته شده رسمی و دولتی برای مذاکره با کشور دیگری عازم عراق بوده است و آقای ترامپ دستور آنرا صادر کرده است را شدیداً محکوم می‌کند و آن را نماد بارز تروریسم دولتی در جهان می‌داند. این اقدام جنایتکارانه ترامپ نقض روشن حقوق ملل، موازین به‌رسمیت شناخته شده جهانی و لگنمال کردن یک دست‌آورد بشریت و توافقنامه جهانی است. دولتهای جهان حق ندارند اعضاء سایر دول را به‌میل خود و تبهکارانه با نقض همه اصولی که جوامع را به‌هم پیوند زده و اصل همزیستی مسالمت‌آمیز آنها را در کنار هم پذیرفته با اقدامی جنائی نابود کنند.

حق حاکمیت ملی همانگونه که بارها گفته‌ایم و برای فهم عمیق‌تر تکرار می‌کنیم یک حق دموکراتیک است که همه کشورهای جهان مستقل از ایندئولوژی، بزرگی و کوچکی کشورشان، مبانی فکری، ماهیت دولتها، دین، نژاد، زبان و... از آن با حقوق مساوی برخوردارند. این که جمهوری اسلامی کشوری اسلامی و یا واتیکان کشوری مسیحی است، از درجه ارزش حقوق این کشورها نمی‌کاهد. ثبت این حق در منشور ملل متحد خونبهای انسانهایی است که در دو جنگ جهانی به‌تعداد میلیونی جان دادند. آقای ترامپ این دست‌آورد مهم بشریت را با یک فرمان قتل، به‌زیاله دان تاریخ افکنده است. بعد از این اقدام تبهکارانه، همه ممالک جهان به‌استثنای اسرائیل، این اقدام را نادرست دانسته و محکوم کردند. دبیرکل سازمان ملل به‌اعتراض دست زد، زیرا از فردای ترور سردار سلیمانی به‌دست بزرگترین تروریست تاریخ بشریت، جهان دیگر در هرج و مرج فرورفته، ناامن شده است و هیچ رئیس دولت و مقام رسمی کشوری در جهان دیگر مصونیت جانی ندارد و می‌تواند در خانه، محل کار و یا هواپیمای خود به‌دستور "قاضی-القضات" جهان با موشک سرنگون شده به‌قتل برسد. از این تاریخ قانون جنگل در جهان حاکم است. حزب ما همین موضع را در زمانی داشت که رهبران... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، متجاوز، ناقض حقوق اساسی انسانها و حق

حاکمیت کشورها و دشمن شماره یک بشریت است

بیانیه حزب کار ایران (توفان)...

آمریکا، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را که یک مقام رسمی و دولتی در ایران است، تحریم کرده و سپس اتهام تروریستی به آن زدند. قرار دادن سپاه در فهرست تروریسم آمریکا (FTO) در ۸ آوریل ۲۰۱۹ در زمان ترامپ، ادامه تحریم این مقام در خرداد ۱۳۹۰ توسط باراک اوباما می‌باشد. حزب ما پیش‌گویی کرد که اگر کسی به بهانه دشمنی با جمهوری اسلامی بر این بی‌قانونی‌ها چشم ببوشد و حقوق قانونی ایران را صرفنظر از ماهیت حکومت حاکم نادیده بگیرد به منافع ملی و مردم کشورش خیانت کرده است و ما امروز با صف این خیانتکاران اپوزیسیون روبرو هستیم.

دفاع از حق حاکمیت ملی و یا حقوق دموکراتیک به‌ماهیت حکومتها وابسته نیست

این امر را ما بارها توضیح داده‌ایم. حقوق دموکراتیک تقسیم‌بردار نیست. فقط مستبدان و فاشیست‌ها این حقوق همگانی را در دنیای کنونی به‌رسمیت نمی‌شناسند. حقوق زن و مرد مساوی است چه زن از طبقه کارگر و یا زن از طبقه بورژوا باشد. این امر بدهی در مورد حق حاکمیت ملی و حقوقی که مربوط به کشور ما ایران است نیز صدق می‌کند. با تکیه به نوع و ایدئولوژی حکومت نمی‌شود و نباید از این حقوق که متعلق به ایران به عنوان یک کشور واقعی وجود دارد صرفنظر کرد. کسی که مدعی است رژیم جمهوری اسلامی تبهکار است و نباید هیچ حقوقی را برای ایران به‌رسمیت شناخت انقلابی نیست مرتجعترین همدست ناقضان حقوق در جهان یعنی همدست امپریالیسم و صهیونیسم است. دولتها می‌آیند و می‌روند ولی ایران زنده می‌ماند و آنها که به بهانه مخالفت با جمهوری اسلامی هر خیانتی را می‌پذیرند طبیعتاً دشمنان مردم ایران و میهن خود هستند.

نمایش اعتراض میلیونی مردم ایران

وقتی خبر ترور قاسم سلیمانی به‌ایران رسید، جامعه جوشید از این جهت که ملت بیدار ما تحقیر و نقض حق حاکمیت ملی ایران را بر نمی‌تابد. ملتی که در آبانماه برای عشق به‌ایران به-خیابانها آمده بود و جانش را برضد نظام سرکوبگر حاکم از دست داد، حاضر نشد به بهانه کینمیزی و خونخواهی از رژیم حاکم، منافع کشورش را که برایش آماده فداکاری بود، زیر پا بگذارد و برای تروریسم ترامپ به‌رقص و پایکوبی بپردازد. **مجازات حاکمیت ایران را تنها ملت ایران تعیین می‌کند و نه ترامپ و نتانیاها.** این پیام را ملت ایران برای همه گردنکشان جهان و اپوزیسیون در یوزه ایران ارسال داشت. مردم میهن دوست‌اند از غرور ملی سرشارند و حساب ایران را از جمهوری اسلامی جدا می‌کنند

و حاضرند در مقابل تجاوز بیگانگان یکپارچه مقاومت نمایند. ملت ایران ملتی نیست که یکشنبه از زیر بته سبز شده باشد، ملتی دارای تاریخی به قدمت حداقل ۲۵۰۰ سال است و از غرور ملی برخوردار بوده و دارای هویت روشنی است. آمریکای قلدر منش و اسرائیل ساختگی بدون هویت و تاریخ نمی‌توانند این قدرت حافظه تاریخی مردم ایران را به‌درستی تشخیص دهند. مردم ایران نه تنها دارای تاریخ باستانی بوده که دست‌آوردی برای بشریت است، بلکه در تاریخ معاصر جهان بانی انقلاب مشروطیت، مبارزه ضد استعماری سالهای بیست، قیام سی‌ام تیر، ۱۵ خرداد، انقلاب بهمن و همین آخری شورش قدرتمند آبانماه ۱۳۹۸ بوده‌اند. چنین ملتی هرگز منافع ایران را در پای همدستی با بیگانگان قربانی نمی‌کند. ملت ایران هرگز آرزوی حکومت نوع ترامپی و یا نتانیا هوئی را در ایران ندارد. ملت ایران حساب جمهوری اسلامی را از ایران جدا کرده و تروریسم جهانی را ناجی ایران نمی‌داند. حضور مردم در خیابانها، همه محاسبه امپریالیستها، رسانه‌های لوس آنجلسی، بازیگران خودفروخته فضای مجازی و همه رسانه‌های اپوزیسیونی که فقط قدرت حرفی‌شان در حجم پولی است که از منابع خارجی دریافت می‌کنند بی‌اعتبار ساخت، اپوزیسیون خودفروشی که ادعا دارد می‌خواهد "جبهه سوم" برای "براندازی" ایجاد کند تا هم با آمریکا "بجنگد" و هم با جمهوری اسلامی. این اپوزیسیون بعد از حضور میلیونی مردم ایران بر علیه تجاوز آمریکا، "سردار" بی‌سپاهی از کار درآمد که فقط باید نقش ستون پنجم آمریکا را ایفاء و در پا رکابی آنها به‌ایران حمله کند. ما بارها گفته بودیم و تکرار می‌کنیم دو جبهه بیشتر نیست یا در کنار مردم برضد دشمن خارجی و داخلی و یا حضور در صف دشمنان خارجی و مبارزه با ایران و مردم ایران، صف سومی وجود ندارد. چقدر فرومایگی می‌خواهد که فرمان قتل قاسم سلیمانی را به‌دست تروریستی به‌نام ترامپ مورد تأیید قرار بدهیم و این قانون جنگل را تنها با انگیزه و کینه نسبت به جمهوری اسلامی در جهان توجیه کرده و به‌رسمیت بشناسیم و برای ترامپ دست زده و لهله کنیم. سقوط به دره عمیق خیانت و دون‌صفی از این واضعتر نمی‌شود. این جریانها بهمان اندازه جمهوری اسلامی خطرناک هستند که در زمان تشنج از پشت به ملت ایران خنجر می‌زنند.

شگردهای اپوزیسیون خودفروخته و دون‌مایه

همه شاهد بودند که ترامپ اعلام کرد من میراث فرهنگی ایران را نابود می‌کنم. این همان ترامپی است که ملت ایران را تروریست نامیده بود. فورا اپوزیسیون خودفروخته که متوجه فاجعه شده بود و زیرپایش خالی می‌شد نه تنها با افشاء

کرد. متن اظهار نظر چنین است: در ایران ۲۰ مکانی وجود دارند که باستانی‌اند از جمله تخت جمشید که به‌میراث فرهنگی جهان تعلق دارند. خسارت به‌این مکان‌ها بعد از سال ۲۰۱۵ مطابق مصوبه شورای امنیت به‌شماره ۲۱۹۹ جنایت جنگی محسوب می‌شود". روشن است که جنایتکار جنگی یعنی دونالد ترامپ باید محاکمه شود. ولی اپوزیسیون مزدور در مقابل واقعیت ایستاده و برای ترامپ دست می‌زند و به‌قدری فرومایه است که حتی وقتی ترامپ در اثر فشار افکار عمومی جهان و دولتها بیان کرد "که اگر این کار غیرقانونی است وی صرفنظر می‌کند" که البته دروغ می‌گوید، باز هم این اپوزیسیون حاضر به‌قبول خیانتش نیست.

این اپوزیسیون که به‌شدت از وسعت حضور مردم برضد آمریکا به‌سرگیجه دچار است نخست منکر حضور میلیونی مردم شد. صحبت آنها در حدود چند هزار نفر دور می‌زد و سپس تخفیف دادند و مدعی شدند همه اینها را با اتوبوس آورده‌اند یا تصاویر ساختگی است و سرانجام که رگه‌ایشان از غضب بادکرد بود به‌دشنام به مردم پرداختند و آنها با نازی‌های هیتلر مقایسه کردند. ببینید این اپوزیسیون مزدور چقدر حقیر و خوفناک است. در دشمنی با مردم روی دست جمهوری اسلامی آنهم برسرکار نیامده زده است.

تئوری برای توجیه خیانت ملی

ضدانقلاب مجاهد، شاه الهی و "چپ‌های خیانتکار اسرائیلی و مزدور ممالک هلند، آمریکا و اسرائیل یک تئوری برای خیانت به‌مصالح ملی ایران ساخته‌اند و آن اینکه با استناد به‌تبهکاری، سرکوبگری و فساد جمهوری اسلامی دست زدن به‌ر عمل خائنانه ای درست است. جاسوسی دروغ‌گویی، اتهام زنی تفتین و... برای آنها مجاز است زیرا جمهوری اسلامی ارتجاعی، فاسد و جنایتکار است. آنها اصلی را برای خود به عنوان مجسمه افتخار تراشیده‌اند که هر دنانت و خیانتی را به‌علت حضور جمهوری اسلامی در ایران توجیه و تبرئه ... ادامه در صفحه ۵

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتری حزب و دولت تغییر می‌کند

بیانیه حزب کار ایران (توفان)...

می‌کنند. آنها با تحریم ایران و گرسنگی دادن به مردم ایران و نرسیدن دارو به مردم موافقت و نقش جنایتکارانه ترامپ و امپریالیسم آمریکا را در این امر منکر می‌شوند. دروغ و فریبکاری در قاموس این اپوزیسیون خودفروخته سازمانیافته است چون مواجیش را سازمانهای امنیتی خواهند پرداخت. آنها مدعی‌اند چون به زعم آنها "قاسم سلیمانی تروریست" است قتل وی و نقض حق حاکمیت ملی ایران به دست یک کشور سرکوبگر و متجاوز اشکالی ندارد و تجسم اجرای عدالت جهانی است. آنها حاضرند برای ویرانی ایران هر اصول و ضوابطی را به‌زیر پا بگذارند. این خیانت است که کسی امپریالیسم و صهیونیسم را به‌ایران دعوت کند و میزبانی آنها را بپذیرد و خود را پشت جنایات جمهوری اسلامی پنهان کند.

نه به جنگ و تحریم و تجاوز

حزب کار ایران (توفان) مخالف ویرانی و فروپاشی ایران است و برضد این همدستی امپریالیسم- صهیونیسم و اپوزیسیون خودفروخته ایران در درجه اول مبارزه می‌کند. مسئله تعیین تکلیف با جمهوری سرمایه‌داری جمهوری اسلامی وظیفه خلق ایران بوده و باید به دست مردم ایران انجام شود. مخالفت با تحریم و جنگ به مفهوم تن دادن به خفت نیست. گفته می‌شود رژیم ایران در پشت پرده با آمریکا در پی مذاکره است. این یک اصل بورژوائی دیپلماسی در جهان است و کوچکترین اشکالی ندارد. مهم این است که از این مصالحه چه بیرون می‌آید. اگر قتل قاسم سلیمانی و فشار ایران و جهان به آمریکا به‌اجرای توافقنامه هسته‌ای منجر شده، تحریم‌ها برداشته گردد و اموال مصادره شده غیر قانونی ایران پس داده شود طبیعتاً چنین مصالحه‌ای بفع مردم است ولی چنانچه این مذاکرات برای وقت کشی و پامال کردن حقوق ایران صورت گیرد اقدامی خائنانه محسوب می‌شود. امروز امپریالیسم آمریکا و همدستانش به شدت در جهان و منطقه منزوی شده‌اند هیچ زمانی بهتر از این شرایط برای کسب حداکثر امتیاز نبوده است. امتیازی که آمریکا در شرایط امروز ندهد در شرایط نامناسب فردا در وضعیت خفت‌آور هرگز به‌ایران نخواهد داد و خطر جنگ نیز افزایش می‌یابد زیرا هر کس انگشش را به‌امپریالیسم داد باید دستش را بدهد و این منطق هنوز به‌فوت خود باقی. صلاح میهن ما در عقب نشینی تا جایی است که منافع برشمرده تأمین شود و اگر نشود باید تمام منافع امپریالیسم را در منطقه به‌خطر انداخت.

چه باید کرد؟

نخستین گام در جهت یک راه حل سیاسی برای خروج ازین بست کنونی تشکیل یک جبهه مردمی و انقلابی است. چنین جبهه‌ای تنها در

بستر شفافیت بخشیدن صف دوستان و دشمنان مردم ایران میسر است. به نظر حزب ما این شفافیت صف کسانی را که دست در دست امپریالیست‌ها گام برمی‌دارند، از صف نیروهای صمیمی جدا می‌کند. باید هرگونه تحریم اقتصادی و مداخله نظامی را محکوم کرد و در مقابل سیاستهای اقتصادی نولیبرالی، دزدی و فساد و اختلاس و سرکوبهای سیاسی ایستاد و هرگونه تغییر و تحول سیاسی را وظیفه داخلی مردم ایران دانست. پیوند مبارزه برای حقوق دموکراتیک کارگران و عموم زحمتکشان و عدالت اجتماعی با مبارزه علیه امپریالیسم و مزدورانش هویت و شخصیت چنین بدیل انقلابی مردمی را تعریف می‌کند.

شک نیست ترور قاسم سلیمانی و خطر جنگ خارجی بر مبارزه طبقاتی تأثیر گذاشته است و موجب تنفسی برای رژیم شده است، لیکن این تأثیرات کوتاه مدت است. توده مردم که از هرگونه حقوقی محرومند و با فقر و تبعیض و سرکوب مواجه‌اند دوباره به پا خواهند خاست. تهدیدات خارجی همواره مورد سوءاستفاده رژیم جمهوری اسلامی برای متحد کردن مردم در پشت سر خود بوده است. این تهدیدات ایجاد تمرکز در دستان معدودی خودکامه را توجیه‌پذیر می‌سازد و جامعه را به جامعه جنگی بدل می‌کند. در حقیقت تهدیدات امپریالیست‌ها بطور عینی در خدمت ادامه تسلط استبداد در ایران قرار دارد و رژیم ولایت فقیه را تقویت می‌کند. دفع خطر خارجی و رفع تحریم‌های غیرقانونی به‌نفع جنبش مطالباتی کارگران و زحمتکشان است، شرایط را برای پیشروی مبارزه طبقاتی فراهم می‌کند و جز این نیست.

اصابت موشک به‌هوایمای مسافری

در پایان بیانیه از این خبر دردناک مطلع شدیم و باید نظریات خویش را در این زمینه تکمیل کنیم. همانطور که در بیانیه اشاره کردیم سیاستهای جنگ‌طلبانه، تجاوزکارانه، تشنج‌آفرین، قانون-ستیزانه امپریالیسم آمریکا، جوی مملو از ناامنی و تشنج در سراسر جهان ایجاد کرده است. هیچکس در هیچ کجای جهان از امنیت قانونی و حمایت جهانی سازمان ملل برخوردار نیست. زبان زور و قلدری حرف آخر را می‌زند. دیگر قانون تاکنون معتبر جهان به قانون چنگیزی "حق با قوی‌تر است" بدل شده است. این ناامنی و تشنج تنها حاکم در فضای ایران و عراق نیست که مقامات رسمی ایرانی در عراق و یا هوایمای مسافری اوکرائینی در ایران مورد اصابت موشک‌های آمریکایی و ایرانی قرار می‌گیرند. در سال ۲۰۱۴ نیز هوایمای مسافری مالزی در منطقه متشنج و جنگی اوکراین که محصول تجاوز و دخالت روشن ناتو و آمریکا در امور داخلی اوکراین و ایجاد فضای تشنج و جنگی بود، قربانی این فضای تروریستی ناتو شد.

فاجعه سقوط هوایمای اوکرائینی در ایران که بسیاری از هموطنان ما را نیز قربانی کرد، در این جو متشنجی که محصول سیاستهای آمریکاست، نه اولین آن می‌باشد و نه آخرین آن خواهد بود و مسئولیت مستقیم آن به‌گردن امپریالیسم تشنج‌آفرین آمریکا است. آنچه به‌رژیم ایران برمی‌گردد، فقدان شفافیت و دروغ‌گوئی این رژیم به‌مردم است. این چوپانان دروغ‌گو هرگز اعتماد مردم ایران را به‌دست نخواهند آورد. مردم می‌بینند که سازمانهای جاسوسی آمریکا، کانادا، استرالیا از همه اسرار رژیم حتی زودتر از مسئولان آن خبر دارند و مضطرب می‌شوند. مردم ایران حق دارند که از این همه ناامنی و اهمه داشته باشند و ندانند که آیا مسئولان نالایق و مکتبی رژیم دارای آن توانائی هستند که از حریم هوای ایران در مقابل موشک‌های کروز آمریکائی دفاع کنند یا خیر به لافزنی مشغولند. آنها حق دارند خواهان استعفاي مسئولان مکتبی و نالایق این رژیم باشند. نباید گذاشت ملت شریف ایران که نشان دادند، آماده مبارزه ضد امپریالیستی، علیرغم ستمی که به‌آنها وارد شده، هستند، گروگان امپریالیسم آمریکا شوند. از این عدم لیاقت و دروغ‌گوئی مزمن رژیم، امپریالیستها نیز سوءاستفاده می‌کنند، به‌طوریکه همان تجربه سوریه تکرار می‌شود که سفیر انگلستان دخالت‌گرانه، در تظاهرات اعتراضی دانشجویان شرکت کرده و آقای ترامپ هم به‌زبان فارسی برای دانشجویان پیام داده که بر روی حمایت امپریالیسم آمریکا حساب جداگانه باز کنند. معلوم نیست چه دستان مرموزی "به‌موقع" سفیر انگلستان را از زمان آغاز اعتراضات با خبر کرده و وی را به‌میدان آورده است. حال باید منتظر تکتیراندازی عمال دست‌چین شده آنها در ایران بود. حزب ما خواهان استعفاي ماموران نالایق رژیم و محاکمه آنها بوده و فضای متشنج و ناامنی را که آمریکائی‌ها خلق کرده‌اند، محصول این فاجعه می‌داند که این امر باید در صحنه محکمه با حضور خبرنگاران و رسانه‌های گروهی جهان روشن گردد. نقش امپریالیسم را باید در یک دادگاه علنی در بی‌ارزش دانستن جان انسانها و ترور آنها به‌شدت افشاء کرد. حزب ما دخالت امپریالیسم آمریکا و سخنان ترامپ و حضور بی‌شرمانه سفیر انگلستان را در تظاهرات ضد رژیمی محکوم کرده آنرا به‌ضرر مصالح مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران دانسته زیرا بذر نفاق و بدنامی را می‌پراکند. این مردم ایران هستند که باید رژیم را به‌پاسخگوئی وادار کنند و دادرسی و دادخواهی نمایند و نه ترامپ و سفیر انگلستان. با هشپاری باید از دسیسه‌های امپریالیستی برای تجزیه و ویرانی ایران ممانعت کرد.

ما از مبارزات انقلابی مردم ایران علیه نظام سرمایه‌داری ... ادامه در صفحه ۶

بیانیه حزب کار ایران (توفان)...
جمهوری اسلامی، برای کسب آزادی، دموکراسی و ارضی ایران دفاع می کنیم!
ما خواهان محاکمه مستولان لافزن و دروغگوی ایرانی در دادگاهی علنی هستیم تا در آن نقش تشنج آفرین امپریالیسم آمریکا نیز افشاء شود!
ما خواهان خروج حضور نیروهای امپریالیستی و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه هستیم!
نه به جنگ و تحریم و تجاوز! دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

تضاد های سرمایه داری امپریالیستی...
 بورژوازی بین المللی و سرمایه داری کاری جز افزودن به مشکلات اجتماعی انجام نمی دهند و همواره مشکلات جدید غیر قابل رفع را نیز به آن اضافه می کنند."
 کنفرانس بعد از بحث در مورد عواقب سیاستهای نئولیبرالی سرمایه داری که زندگی مردم جهان را به فاجعه تبدیل کرده و هنوز هم از جانب بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی با قهر ضد انقلابی دنبال می شود به نتایج آن اشاره کرد و آورد:

"بیاد بیاوریم که چگونه آنها وعده صلح و رفاه برای همه در "نظم نوین جهانی" را دادند و وعظه کردند که جهانی شدن سرمایه (گلوبالیزاسیون)، زمانی که جهان را به "یک دهکده کوچک" تبدیل کرد، به استثنای وجود طبقات اجتماعی پایان خواهد داد و مشکلات بشریت را خواهد زدود!

طبقه کارگر و مردم ستم دیده جهان در روند وخامت شرایط زندگی و کار، خلاف این ادعاها را تجربه کرده اند. کارگران، با تجربه خود در جریان افزایش بیکاری، کاهش دستمزدها، افزایش فقر، به دلیل کاهش خدمات اجتماعی و افزایش بهای کالاها و مالیات بر مردم و وخیم تر شدن شرایط حتی برای تامین ضروریات اولیه زندگی، دارند به این حقیقت نزدیک می شوند که نظام سرمایه داری برای آنها زندگی انسانی نخواهد ساخت و آن کس که متشاء همه این مشکلات است، این حقیقت می باشد که تولید سرمایه داری برای افزایش سود انحصارات برپا شده است.

این پوسیدگی اوضاع خود را در بحرانی که بسیاری از کشورهای وابسته هم اکنون به آن کشیده شده اند آشکار می کند و در جهان سرمایه داری به عنوان یک کل، منجر به گند شدن رشد اقتصادی به ویژه در تولید صنعتی و همراه با افت استفاده از ظرفیتها و تعطیلی کارخانجات و بیکارسازی شده است. نشانه هایی وجود دارند که بحران آینده در اقتصاد جهان سرمایه داری بسیار جدی تر از بحران سال ۲۰۰۸ خواهد بود. و این بار، چون کشورهای عمده امپریالیستی فرصتی

برای مداخلات مرکزیت یافته ندارند، این بحران عواقب مخرب تری خواهد داشت.
 هم اکنون تشدید تضادهای بین امپریالیستی و بین-انحصاری و افزایش مناقشه بر سر منافع منجر به "جنگ های تجاری" شده است. این تضادها و مناقشات از تلاش انحصارات امپریالیستی برای کسب حداکثر سود ناشی می شوند و مطمئناً تأثیر منفی بر اقتصاد جهانی دارند.

توسعه ناموزون کشورهای امپریالیستی و انحصارات، دقیقاً مانند توسعه بنگاهها و بخشهای اقتصادی، منجر به ناهمسانی در سطح قدرت گروه های سرمایه مالی انحصاری و کشورهای امپریالیستی می شود و این به نوبه خود به خواست تقسیم جدید جهان منجر می گردد. امپریالیستهای آمریکا، چین، روسیه و امپریالیستهای آلمان - فرانسه که غرق در تناقض اند و اتحادیه اروپا را زیر کنترل دارند، امپریالیستهای متفوق هستند. تنش بین آمریکا و چین در خط اول مناقشات بین امپریالیستهای غالب قرار دارد. ...
 دامه دارد ...

مبارزه بر سر مضمون شعار...

حکمت ارتزاق می کنند، سازمان فدائیان اقلیت، گروه مائوئیست سربداران، راه کارگر هیئت اجرایی و گروه های چند دیگری شرکت فعال دارند. این وضعیت نامطلوب ما را بر آن داشت که بیشتر به این بحث بپردازیم.

حزب کار ایران (توفان) خواهان سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است. حزبی که هدف و منظور خود را سرنگون ساختن حکومت کنونی قرار داده است، ناگزیر باید در فکر این باشد که چگونه حکومتی را جایگزین حکومت قدیمی که باید سرنگون شود بنماید. این شعار و خواست ما طبیعتاً یک شعار ترویجی و مرحله ای است و جهت فعالیت حزب ما را روشن بیان می کند که ما خط تمایز روشنی با آن اپوزیسیونی داریم که تلاش دارد به عنوان اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کادر "پلورالیسم اسلامی" همواره باقی بماند، در انتخابات تقلبی شرکت کند و شاید روزی نیز بخت به آنها روی آورد و رئیس جمهور ایران شدند. حزب رویزیونیستی توده ایران از قماش این نوع اپوزیسیون است. برای ما خواست فوق یک شعار مرحله ای بوده و در عین حال مناسبات تولیدی حاکم بر ایران را نیز روشن کرده و نمی گذارد خاک به چشمان مردم پاشیده شود و نتایج سیاستهای سرمایه دارانه و بهره کشانه این رژیم سرمایه داری را به پای "آخوندها" که گویا وجودشان صرفاً یک مسئله شخصی و اتفاقی است بنویسند. مبارزه ما با رژیم کنونی مبارزه با آخوندها و ملایان نیست مبارزه با سرمایه دارانی است که از باورهای دینی مردم نیز برای حفظ سلطه خویش استفاده می کنند. این نوع تبلیغات اپوزیسیون ایران که مضمون مناسبات تولیدی حاکم را از این شعار

حذف می کند و به این ترتیب علل فقر، نابسامانی، گرانی، اختلاس، دزدی، پارتی بازی و... را تنها به گردن "اسلام" و "آخوند" می اندازد، قابل قبول نیست و در خدمت نیروهائی است که دشمنان زحمتکشان هستند. زیرا عدم روشنگری در مسئله گزینش رژیم آتی ایران، الزاماً به معنی بی برنامه گی "جبهه براندازی" نیست، زیرا که جای خالی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را به احتمال قوی و مجدداً یک رژیم سرمایه داری دیگر پر خواهد کرد. این نوع تبلیغات این شبهه را ناآگاهانه در مردم ایجاد می کند که اگر سلطنت در ایران بر سر کار آید و یا یک مشت کراواتی زمام امور را در دست بگیرند از دزدی و غارت و یا اجرای سیاستهای خانمان برانداز نئولیبرالی که زیر سر "آخوندها" بوده دیگر خبری نیست و ایران بهشت برین می شود. حزب کار ایران (توفان) برای جلوگیری از این سوء تفاهات و در ضمن افشاء "هوداران سرنگونی رژیم" و "جبهه براندازی" معتقد است که باید هر چه سریعتر و عمیقتر از ظاهر خواست سرنگونی گذر کرد و به مضمون و هدف غائی آن پرداخت. این خواست در وضعیت کنونی ایران بسیار مبرم بوده و فوریت دارد.

حزب ما برای تعیین شعارهای صحیح و راهگشا بر مبنای اوضاع کنونی به تعصب کور تکیه نمی کند. در شرایطی که سرنگونی یک نظام سرمایه داری بر اساس توازن قوای طبقاتی و دلایل دیگر مقدور نباشد، جایگزینی هر نوع شکل حکومتی از جمله یک جمهوری دموکراتیک نسبت به رژیم کنونی مرجح است. ولی مضمون این حداقل خواسته سیاسی که به-عنوان بدیل حکومتی مطرح است، باید روشن باشد. باید روشن گردد که اپوزیسیون ایران خواهان کدام نوع حکومت است که باید جای رژیم جمهوری کنونی اسلامی را بگیرد. صرف موافقت با سرنگونی این رژیم، بازگویی ماهیت انقلابی خواستاران این تغییر نیست، بلکه می-تواند نشانه نوکرسفتی و وابستگی و خیانت این هواخواهان "براندازی" نیز باشد. به ویژه وقتی که این عده در مقابل پرسش محقانه شما پا به-گریز گذاشته و مدعی می شوند "همه با هم" و ما نباید مسایل مورد اختلاف را طرح کرده "جبهه سرنگونی" را تضعیف کنیم. آنها می دانند که پاسخ به این پرسش، دست نوکران اجنبی و دشمنان ایران را باز می کند و به همین جهت است که هر بار شما مچ این خائنان را می گیرید با برچسب اتهام و هوچیگری "شما همدست جمهوری اسلامی هستید" به میدان می آیند. این بیگانگان چون خودشان در ترس و التهاب به-خاطر مواضع ضد ایرانی شان زندگی می کنند، به-این توهم دچارند که مبارزان صادق از این هوچی بازی های آنها هراسناکند و از افشاء این حقوق بگیران اجنبی ... ادامه در صفحه ۷

مبارزه بر سر مضمون شعار...

خودداری خواهند کرد. آنها آینده ایران را قربانی مصالح روز و تنگ‌نظرانه خود می‌کنند. حل مسایل روز ایران بدون توجه به آینده کشور ما عملی نیست. امروز و فردا را باید در پرتو یک سیاست نگریست. نمی‌شود به‌همان‌توجه به‌امروز، فردا را به‌فراموشی سپرد. این فراموشی در واقع مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران را مخدوش می‌کند و دقیقاً این همان سیاستی است که این عده دنبال می‌کنند. برای ایران آمریکا و اسرائیل طبیعتاً مسکوت گذاردن ماهیت حکومت آینده ایران و یا ماهیت تغییراتی که باید انجام گیرد مفید و در راستای سیاست آنهاست، زیرا هر تغییری اگر پیش‌توانه خلق ایران انجام نگیرد و سیاست روشن انقلابی بر آن حاکم نباشد، تغییری به‌نفع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است که می‌خواهد از ایران کشوری نیمه‌مستعمره بسازد و دستاوردهای انقلاب بهمن را پس بگیرد. رژیم حاکم بر این کشور نیمه‌مستعمره رژیم سرکوبگر، ضدبشر، غارتگر و... خواهد بود که ما نمونه آنها را درودمان پهلوی تجربه کرده‌ایم. باید با این فریبکاری یاران آمریکا مبارزه کرد که چنین جلوه می‌دهند که گویا آمریکا مبشر آزادی خواهی و مجری حقوق بشر در سراسر جهان است و حضورش در ایران به همه خواستها و آرزوهای مردم ایران تحقق می‌بخشد. نوکران بیگانه می‌کشند آمریکا را ناجی بشریت جلوه دهند.

این حقیقت همه دانسته است که در این "جبهه‌ی براندازی" شخصیت‌هایی نظیر هیلاری کلینتون، دونالد ترامپ، نتانیاهو، محمد بن سلمان و... نظایر آنها نیز حضور دارند و جبهه‌ی این اپوزیسیون سرنگونی‌خواه را با دلارهای خویش به عنوان متحدانی که نباید مورد حمله و افساء قرار گیرند، پر می‌کنند و امکانات مالی، اطلاعاتی، فنی، تجهیزاتی، حقوقی، رسانه‌ای و... خود را در خارج از کشور در اختیار آنها قرار می‌دهند تا دروغ بگویند و توطئه کنند و در شیپور تحریم و تجاوز به‌ایران بدمند. این اپوزیسیون سرنگونی‌خواه، ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم در ایران است. به‌همین جهت نیروهای انقلابی باید روشن کنند که فرقتشان با این مجموعه ناسالم در کجاست، چه عواملی آنها را از این باند تبهکار جدا می‌سازد

روشن است رژیمی که در ایران فردا بر سر کار می‌آید تنها باید به‌دست مردم ایران و نه ارتش اجانب بر سر کار آید. مردم ایران شایسته یک رژیمی هستند

که محصول تجاوز و تهدید امپریالیستی و صهیونیستی نباشد. مردم ایران رژیم دست‌نشانده و وابسته به‌امپریالیسم نمی‌خواهند. مردم ایران خواهان رژیمی هستند که ماهیتاً دموکراتیک و ملی بوده و نه تنها سیاست داخلی سازنده‌ای برای رفع تبعیض و حداقل کاهش شکاف طبقاتی داشته باشد بلکه در عرصه خارجی نیز سیاستی انقلابی در حمایت از نیروهای انقلابی منطقه اتخاذ کند. رژیمی که در ایران بر سر کار می‌آید باید به‌حق ملل در تعیین سرنوشت خویش به‌دست خویش و نه به‌دست اجنبی احترام بگذارد و تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت ملی ایران و سایر ملل را به‌رسمیت بشناسد. این رژیم باید منافع زحمتکشان و اکثریت خلق ایران را در نظر بگیرد و به‌حقوق دموکراتیک مردم ایران احترام بگذارد، آزادیهای دموکراتیک را برقرار کند و ایرانی بنا نهد که آمادگی رشد مبارزه طبقاتی در آن افزایش یابد. اینگونه مسایل باید مضمون مبارزه ما را برای سرنگونی این رژیم تعیین کند. در غیر این صورت صرف سرنگونی این رژیم بدون روشن کردن مضمون سیاسی آن جز صدمه زدن به‌ایران و مردم ایران نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. خواست سرنگونی بدون شفافیت بخشیدن به‌مضمون سیاسی سرنگونی، تنها انتقام‌جویی و عنادورزی سیاسی و شخصی و خونخواهی قرون‌وسطایی است.

ما ایرانی می‌خواهیم که ضدامپریالیست، ضدصهیونیست، ضد فاشیست و ضد نژادپرستی، دموکرات، مستقل، آزاد و منکی به‌نیروی خود باشد. مضمون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را که ما خواهان آنیم حتی اگر ماهیت سرمایه‌دارانه آن را در نظر نگیریم - چنین خصوصیتی تشکیل می‌دهند.

سلطنت طلب و مجاهد و با یاران آمریکا و اسرائیل خواهان چنین ایرانی نیستند. شرکت آنها در جبهه‌ی براندازی برای تحقق آمل مردم ایران نیست. برای آن است که با همدستی مشتکی اپوزیسیون ایرانی خودفروخته که بر تمام این خواستها خط بطلان کشیده‌اند، به‌تغییر رژیم در ایران نایل آیند و عمل دست‌نشانده خویش را بر مسند قدرت بنشانند و برای استقرار خویش مجدد کشتار کنند و این بار از حمایت امپریالیستها نیز برخوردار باشند. با این شعار سرنگونی که دورنما را از مردم ایران می‌گیرد و تنها خواست بیگانگان را بازتاب می‌دهد باید مبارزه نمود. اگر ما مضمون سرنگونی را از هم اکنون روشن نکنیم و مردم وطبقه کارگر را بر اساس آن آموزش ندهیم زمانی فر خواهد رسید که کار از کار

خواهد گذشت که آنگاه دیگر خیلی دیر است. دشمن عمده ما کسانی هستند که به این خواستهای مردم ایران توجه ندارند و در فکر غارت میهن ما می‌باشند. این هواداران "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" وقتی کُمیت استدلالتشان می‌لنگد به‌این استدلال پناه می‌برند که "هر رژیمی جای این رژیم بیاید خوب است" و یا "بالاخر از سیاهی رنگی نیست" در حالیکه این نوع استدلال به‌جز جنبه شعاری آن تنها حرف پوچ است، زیرا از تحلیل مشخص از شرایط مشخص ایران نتیجه نمی‌شود. رژیمی را سرنگون کردن بدون آنکه رژیمی را به‌جای آن بر سر کار بیاوریم تنها با این هدف صورت می‌گیرد که آشوب آفرینی کنیم که هرگز مورد پذیرش خلق ایران و گزیده مطلوب وی نیست. ایران منلاشی و پاره پاره را کسی آرزو نمی‌کند. این تنها آرزوی دشمنان ایران از جمله آمریکا و اسرائیل است. آنها از ایران فروپاشیده حمایت می‌کنند زیرا می‌توانند با حضور نظامی خود نفت و گاز ایران، مس و طلا و اورانیوم ایران و... همانگونه که در عراق و لیبی می‌کنند غارت کنند. حزب کار ایران (توفان) با این سرنگونی موافق نیست. با این سرنگونی امپریالیسم، صهیونیسم، و هابیسیم و نوکران ایرانی آنها موافقت و بدون توجه به سطح قوام‌یافتگی شرایط عینی و ذهنی جامعه خواهان تعجیل در سرنگونی برای ایجاد آشوب و ناامنی در ایران‌اند. نیروهای انقلابی و مسئول در ایران، ویرانی ایران را شرط سرنگونی قرار نمی‌دهند بلکه خواهان آن چنان سرنگونی هستند که مضمون مترقی و انقلابی آنها همه جامعه احساس کند و در امنیت از دستاوردهای این سرنگونی برخوردار شود. مردم ایران از این نوع سرنگونی دفاع می‌کنند.

به توفان در تلگرام خوش آمدید



برای جلوگیری از جنگ بپایخیزید.
شعار ما این است "جنگ بر ضد ایران
هرگز!"

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۶۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۸ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توییتر

توفان در فیسبوک

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 239 Jan. 2020

مبارزه بر سر تعیین مضمون شعار سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

روشن است کسی که شعار "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" را طرح می‌کند و امر کسب قدرت سیاسی را در دستور کار خود و یا دیگران قرار می‌دهد، باید خود روشن کند که این حکومت را با چگونه حکومتی می‌خواهد تعویض نماید. تا اینجا، گفتار وی تنها در عرصه تئوری حرکت می‌کند و برای بیان چنین سخنانی میدان پیشگویی و بیان آرزوها بسیار گسترده است، بدون آنکه نتایج عملی‌ای بر آن مترتب باشد.

مسئله کسب قدرت سیاسی در یک مبارزه سیاسی، تنها یک دورنماست و نه الزام واقعیت روز که فوریت و جنبه عملی داشته باشد. برای تعیین شعارهای تاکتیکی روز - و نه خواسته‌های دور که سمت حرکت را روشن می‌کنند - ، باید وضعیت سیاسی کنونی را مد نظر قرار داد و نه شرایط آرزویی را. بدون تحلیل مشخص از شرایط مشخص که شامل وضعیت درونی و بیرونی ایران و شرایط عینی و ذهنی جامعه ما می‌شوند، نمی‌شود تاکتیکهای روز مبارزه را تعیین کرد.

در اوضاع کنونی ایران وضعیت سیاسی بلبشویی ایجاد شده است که دشمنان انقلاب ایران نیز در پیدایش آن نقش موثری بازی می‌کنند. خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به ابزاری برای آشوب، فروپاشی، نفوذ امپریالیسم و صهیونیسم و سرپوشی بر مناسبات تولیدی حاکم بر ایران بدل گشته است. در هر تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارتخانه‌های ایران در خارجه، عده‌ای ایرانی با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و یا "سرنگون باد جمهوری اسلامی" به میدان می‌آیند، بدون آنکه به‌دورنما و نتایج تحقق این شعارها فکر کرده باشند. مسلمانان عده‌ای عناصر صمیمی ولی نادان نیز در میان آنها یافت می‌شوند، ولی بانین این شعارها در شرایط کنونی کشور ما افراد ناسالم و حتی مشکوکند. ویدیویی را مشاهده کردیم که یک بانوی تظاهرکننده ایرانی به‌مناسبت گشتار اخیر در آبانماه ۱۳۹۸ در ایران، در مقابل کنسولگری ایران، شعارهای افشاگرانه ضد رژیم می‌داد و در ادامه آن شعار "مرگ بر مجاهد و مرگ بر پهلوی" را که در ایران توسط مردم طرح شده بود فریاد کرد، فوراً عوامل پشت پرده این تظاهرات این خانم بی‌خبر را به‌کناری کشیدند و "آگاه" کردند که نباید برضد متحدان آنها در مبارزه برضد جمهوری اسلامی شعاری طرح کند که این همکاری را مخدوش نماید. آنها ظاهراً به‌این خانم توضیح دادند که سلطنت‌طلب و مجاهد متحدان "جبهه براندازی" هستند و نباید مورد افشاء و حمله قرار بگیرند. آنها از نظر "تئوریک" توضیح دادند که "دشمن عمده" ما، رژیم ملایان است و باید این رژیم را آماج حمله قرار داد. خانم شعاردهنده که بسیار از این امر ناراحت بود و ناراحتی و غضب وی را می‌شد به‌عیان در چهره‌اش دید، با شعار سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، دور جدیدی از مخالفت را با رژیم حاکم ایران آغاز کرد، جالب اینکه این تظاهرات در زیر سایه پرچم "حزب کمونیست ایران" انجام می‌گرفت و فعالان آن با این تاکتیک ملایمت نسبت به سلطنت‌طلب و مجاهد، کاملاً موافق بودند. البته این مسئله تنها نظر بازیگران این نمایش در مقابل سفارتخانه ایران نیست، رهبران حزب کمونیست کارگری ایران نیز از این سیاست حمایت کرده و به‌صراحت بیان می‌کنند که با تهدید و تجاوز آمریکا به‌ایران موافقت، زیرا آنها نیز خواهان سرنگونی رژیم اسلامی بوده و مالا متحد ما محسوب می‌شوند. آنها به‌صراحت می‌گویند وظیفه ما در شرایط کنونی نه ایجاد جبهه‌های ضدجنگ، بلکه ایجاد جبهه‌های فراوان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می‌باشد. در این کارزار آمریکائی - اسرائیلی همه سایه روشنی‌های حزب کمونیست کارگری ایران که از تئوری‌های ارتجاعی منصور ... ادامه در صفحه ۶

تضادهای سرمایه‌داری امپریالیستی تشدید می‌شوند مبارزه طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم اوج می‌گیرد (۱)

کنفرانس احزاب برادر در سال گذشته با موفقیت برگزار شد و در شرایط پنهان و رعایت اصول مخفی‌کاری به‌پایان رسید. در این کنفرانس رفقای احزاب و سازمانهای برادر از چهار قاره جهان در مورد شرایط کشور خود و سطح مبارزات طبقه کارگر گزارش دادند. این گزارشات بسیار امیدبخش بود و گواهی بود بر تداوم مبارزه انقلابی و طبقاتی در سراسر جهان. امپریالیسم، صهیونیسم و سرمایه‌داری به-محاصره خلقها و طبقه کارگر جهان در آمده است و هرچه دامنه نئولیبرالیسم گسترش یابد مقاومت طبقاتی و ملی کارگران و ملت‌ها و خلقهای جهان بر ضد دشمنان بشریت افزایش می‌یابد. در سند پایان کنفرانس می‌آید:

"کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست - ICMLPO در ماه اکتبر در زمانی برگزار شد که مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین یکی پس از دیگری به‌پاخاسته‌اند. ... ادامه در صفحه ۶

www.toufan.org تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صديق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکاتبات
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

دست امپریالیسم و متحدانش از ایران و منطقه کوتاه باد